

پدیدار شناسی مفهوم توسعه روستایی از دیدگاه جوانان روستایی
(دهستان میان دربند: شهرستان کرمانشاه)

Phenomenology of the concept of rural development from
the perspective of rural youth

عباس سعیدی^{۱*}، رضوان قمبرعلی^۲، خدیجه مرادی^۳، نشمیل افشارزاده^۴ و شهپر
گراوندی^۵

^۱ عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی، ^۲ و ^۳ دانشجویان دکتری توسعه
کشاورزی، دانشگاه رازی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی

E-mail: Rezvagh20007@yahoo.com

* نویسنده مسئول

خلاصه

در پژوهش پدیدارشناسی حاضر سعی شده است که به مطالعه ی مفهوم توسعه ی روستایی از دیدگاه جوانان روستایی دهستان میان در بند شهرستان کرمانشاه پرداخته شود. برای این منظور، دو روستای وزمله و جعفر آباد که از روستاهای توسعه یافته دهستان میان در بند بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. سپس نمونه ها، از طریق نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه انفرادی نیمه ساختارمند و در محدوده زمانی آذر تا دی ماه ۱۳۹۰ جمع آوری گردید. مدت زمان انجام هر مصاحبه به طور متوسط ۲۵ دقیقه بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل کلایزی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که مشارکت کنندگان توسعه روستایی را فرآیندی گام به گام می دانند که بسترهای لازم برای ایجاد و تأمین امکانات رفاهی، زیر بنایی و نهادهای محلی را فراهم می آورد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را به دنبال دارد. هم چنین در طی این فرآیند مردم توانمند شده و به حفظ و حراست از محیط زیست می پردازند.

واژه های کلیدی: پدیدار شناسی توصیفی، مفهوم، توسعه روستایی، جوانان روستایی

Abstract

In this Phenomenological research is trying to study the concept of rural development from the perspective of young people of mian darband rural district in Kermanshah Township. For this purpose, two villages of Ja'far Abad Vzmlh that developed between the mian darband district , were studied. Then, the samples were selected through purposive sampling. Data by Individual semi-structured interviews and in the time range December to January 2011 were collected. The average interview time was 25 minutes. Colaizzi analysis was used to analyze the data. Results showed that participants believed that rural development as step by step process that Supplying substrates required for creating facilities, infrastructure and local institutions And cultural, social and economic development are followed. Also during this process, people are empowered to protect and preserve the environment.

Key Words: descriptive phenomenology, concept, rural development, rural youth.

مقدمه

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول نموده است. برای دستیابی به توسعه ابتدا باید مفهوم توسعه و ابعاد و جنبه های آن مشخص شود. از آن‌جا که قصد داریم به بررسی دیدگاه جوانان روستایی در رابطه با توسعه روستایی پردازیم، در این بخش در راستای تغییرات دیدگاه های مختلف توسعه، مروری کوتاه بر تعاریف توسعه و چگونگی تغییر دیدگاه نسبت به توسعه در مکتب‌های گوناگون توسعه انجام شده است. مکتب نوسازی که مبدأ و منتهای آن مدرنیته است، با تأثیرپذیری از نظریه تکاملی و مکتب فلسفه تاریخ و با توجه به تجربه تاریخی اروپا و غرب، فرایندی عام و همگانی تلقی شد که طی آن، جوامع از حالت سنتی، روستایی و کشاورزی به حالت امروزی، شهری و صنعتی متحول می شوند. این فرایند را نخست، غربی سازی و سپس، نوسازی می خواندند و آن را مترادف با توسعه به کار می بردند. آلموند، ردفیلد، مور، روستو، شومپیتر، ایزنشتات، هانتینگتون و بسیاری از نویسندگان دیگر در توصیف جامعه نوین، ویژگی هایی را مطرح می کنند که گویای معنی و محتوای توسعه از دیدگاه آنهاست؛ از آن جمله اند: فردگرایی، کثرتگرایی، تحرک اجتماعی، انفکاک ساختاری، تخصصی شدن گسترده نقشها و وظایف، حاکمیت قانون، صنعتی شدن، گسترش سواد و شهرنشینی، آزادی و برابری سیاسی، عدالت، و ظهور دولت- ملتها (موثقی، ۱۳۸۳). دیوید مک کله لند از متفکران مکتب نوسازی توسعه، به «میل و نیاز به پیشرفت» به مثابه عامل کلیدی و نه صرفاً مؤثر در توسعه اشاره دارد. این میل به پیشرفت در دو بعد نمود عینی پیدا میکند: میل به داشتن برتری بر دیگران و اثبات این موضوع به آنها، نیاز به بالا بردن سطح رفاه عمومی (ازکیا، ۱۳۸۱). از مهمترین نظریه هایی که در زمینه توسعه به ویژه در مناطق روستایی کاربرد دارد، نظریه اورت راجرز است که به متغیرهای فردی و نظامهای شخصیتی افراد در قالب بحث خرده فرهنگ دهقانی می پردازد. به نظر راجرز، تغییر چیزی جز اندیشه و نظری نیست که فرد آن را جدید و نو می پندارد. او عناصری مانند انگیزه ها، ارزش ها و جهت نظرها را در قالب نظریه خرده فرهنگ دهقانی، عناصری اصلی و کلیدی برای فهم رفتار می داند. عناصر خرده فرهنگ دهقانی عوامل بازدارنده نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع

روستایی و به تعبیری، بازدارندهٔ تجدد و نوسازی به شمار میروند (از کیا، ۱۳۸۱). این عناصر عبارت اند از: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشمپوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی، عدم توجه به عنصر زمان و اهمیت آن، خانواده گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی گرایی، و فقدان همدلی. اما نظریهٔ نوسازی با انتقادات گسترده روبه رو شد، که از مهمترین آنها می توان به نارسایی های عمدهٔ ادبیات کلاسیک نوسازی و توسعه به واسطهٔ غلبهٔ نگرش اثبات گرایی اشاره کرد که به تجزیهٔ ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسعه و به ویژه تقلیل توسعه به رشد اقتصادی انجامید. گرچه در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، بسیاری از کشورها به نرخ های بالای رشد اقتصادی دست یافتند اما در عمل، به تنها مسائل و مشکلات مناطق توسعه نیافته مانند فقر، گرسنگی و سوء تغذیه، خشونت، سرکوب، جنگ، نظامی گری و به طور کلی، عقب ماندگی حل نشد بلکه مسائلی جدید مانند استثمار شدید زنان و کودکان، کاهش فزایندهٔ منابع طبیعی تجدیدنناپذیر، به هم خوردن تعادل بوم شناختی، آلودگی فزاینده و تخریب محیط زیست و آثار ناشی از آن همچون نازک شدن لایهٔ ازن را نیز جهان شاهد بود. دیدگاه وابستگی یکی از نحله های مکتب توسعه نیافتگی است. مکتب وابستگی به دنبال این ایده ظهور کرد که با تحمیل یک نوع تقسیم کار بین المللی ناعادلانه و دستکاری عرضه و تقاضا در بازار جهانی و نیز ایجاد رابطهٔ مبادلهٔ نابرابر از طریق شرکتهای چندملیتی و فراملیتی و نهادهای مالی و اقتصادی، نوعی سر مایه داری سازمان یافته بر دنیا حاکم می شود که به شدت به زیان کشورهای جهان سوم است. بنابراین، مکتب وابستگی از این دیدگاه به بررسی عوامل توسعه نیافتگی می پردازد. نظریه پردازان مکتب وابستگی بر این باورند که توسعه نیافتگی محصول ساختار و یا ویژگی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نیست بلکه تا حد زیادی، نتیجهٔ تاریخی ارتباط گذشته و مداوم اقتصادی میان کشورهای توسعه نیافته (اقمار) و کشورهای توسعه یافته (مادر) است. بنابراین، عمدهٔ مشکلاتی که کشورهای توسعه نیافته با آن مواجه اند، ناشی از مسائل بیرونی است و نه مسائل درونی جامعه. از اینرو، مسئلهٔ اساسی کشورهای توسعه نیافته

این نیست که چگونه به مرحله ای از توسعه نظیر مدل اروپایی آن برسند؛ و ادعای تکرار تجربه تاریخی کشورهای توسعه یافته امروزی برای کشورهای در حال توسعه نیز پایه و اساس ندارد (فداکار و رسام، ۱۳۸۹).

البته دیدگاه وابستگی نیز از دهه ۱۹۷۰ آماج انتقادات فراوان بوده است که از مهم ترین آنها می توان بدین مطلب اشاره کرد: بر اثر میزان بالای انتزاعی بودن این دیدگاه، مکتب وابستگی همه مناطق پیرامونی را یکسان قلمداد کرده است. همچنین، در رهیافت وابستگی، نقش منازعات داخلی و مقاومت های درونی نادیده گرفته شده و در مورد قدرت نیروهای خارجی نیز اغراق شده است. از عمده تغییرات مفهوم توسعه، تغییر آن از بعد صرفاً اقتصادی به سایر ابعاد توسعه است. سازمان ملل در گزارشهای خود تعبیر توسعه اجتماعی و برقراری تعادل میان ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی توسعه و تغییرات کیفی و فراتر از کمی و نیز ارتقای کیفیت زندگی را مورد توجه قرار داد و پذیرفت که رشد اقتصادی سریع با نابرابری فزاینده در سطوح ملی و بین المللی همراه بوده است. سازمان ملل، با تأکید بر ضرورت اتخاذ رهیافتی یکپارچه نسبت به برنامه ریزی و توسعه در قالب یک راهبرد توسعه بین المللی و جهانی، اعلام کرد که نباید هیچ بخشی از جمعیت خارج از حوزه تغییر و توسعه قرار گیرد و بدین منظور، باید همه بخشهای جمعیت در فرایند توسعه مشارکت داشته باشند؛ و با هدف برقراری عدالت اجتماعی، شامل تحقق توزیع عادلانه درآمد و ثروت در میان آحاد ملت، و در قالب توسعه ملی و مشارکتی، تغییر ساختاری صورت گیرد و همچنین، به شکوفایی استعدادهای انسانی، تهیه و تدارک فرصت های اشتغال و تأمین نیازهای کودکان اولویت داده شود (همان منبع). امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه بیشتر کشورهای در حال رشد برکسی پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست اندرکاران امرتحقیق، این مهم بیش از هرچیز در گرو توسعه منابع انسانی از طریق مشارکت و اعتماد اجتماعی امکان پذیر است؛ به عبارت دیگر توسعه مشارکت آحاد مردم از هر قشری عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی است (قلی نیا، ۱۳۷۷).

جامعه روستائی ایران در چند دهه اخیر به شدت دستخوش دگرگونی و تحول بوده و در سالهای آتی نیز کماکان این تحولات با شتابی بیشتر گسترش و تعمیق می یابد؛ اما آیا تاکنون این تحولات تمامی عرصه های زندگی روستائی را در بر گرفته و موجب تغییرات ساختاری در جامعه روستائی شده است؟ یا آیا این تغییر و تحول هدف یا دستاوردهای توسعه روستائی بوده است؟ هنوز شناخت ما از جامعه روستائی و عوامل متعدد درونی و برونی که بر تغییر و تحول این جامعه موثرند و به گرایش های آن برای توسعه شکل می دهند، بسیار قلیل و ناچیز است. نظام اطلاعاتی کشور نیز فاقد داده های کمی و کیفی کارآمد و بهنگام برای تشخیص و تحلیل وضعیت جامعه روستائی است. جامعه ای که گوناگونی، ویژگی بارز آن است و هر قلمرو از آن شرایط اکولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متمایزی دارد. در چنین شرایطی تهیه و اجرای نقشه و برنامه های جامع، برای توسعه روستائی کشور سرایی بیش نیست.

بنابراین مشارکت مردم روستائی در و دیدگاه آن ها در رابطه با توسعه ضروری است. امروزه، توسعه مبتنی بر روش مشارکتی موفقتر از سایر روش های توسعه است. از این دیدگاه، مردم هم وسیله توسعه و هم هدف آن به شمار میروند. طرح های توسعه روستائی، چه به لحاظ ماهیت طرح ها و چه به لحاظ محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع است. در این راهبرد، باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستائی فراهم آورد. با ساماندهی و شتاب به تلاش های کنونی در جهت شناخت سطوح محلی و منطقه ای محیط روستائی، امید است شرایط بالنسبه مطلوبی برای جمع بندی های ملی و منطقه ای، جهت برنامه ریزی توسعه پایدار روستائی در کشور، فراهم شود (مهندسین مشاور هامون یک، ۱۳۸۱).

روش شناسی تحقیق

متن در این مطالعه از روش پدیدار شناسی توصیفی بهره گرفته شد. هدف محقق در این روش، بررسی، تحلیل و توصیف مستقیم یک پدیده است (ادیب حاج باقری و همکاران،

۱۳۸۶). از این رو در پژوهش حاضر سعی شده که به پدیدار شناسی توصیفی تعریف مفهوم توسعه روستایی از دیدگاه جوانان روستایی پرداخته شود. در این راستا به منظور شناسایی منطقه مورد مطالعه، به بررسی سطح توسعه یافتگی مناطق روستایی استان کرمانشاه پرداخته شد. نتایج پژوهش پزشکی (۱۳۸۶) در ارزیابی توسعه دهستان های شهرستان کرمانشاه نشان داد، دهستان میان دربند نسبت به سایر دهستان ها از سطح توسعه یافتگی بالاتری برخوردار می باشد. بر این اساس، محققان، این بخش را به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب نمودند. در ادامه، به شناسایی دو روستای توسعه یافته و توسعه نیافته در بخش میان دربند پرداخته شد. از آن جایی که اطلاعات دقیق در این زمینه در دسترس نبود به پیشنهاد مرکز خدمات دهستان، دو روستای جعفرآباد و وزمله به عنوان مکان مورد مطالعه انتخاب و جوانان آن ها مورد بررسی قرار گرفتند. سپس به منظور انتخاب مورد های غنی اطلاعات دو معیار لحاظ گردید. اولاً؛ افراد انتخاب شده باید از فعالیت ها و اقدامات انجام شده در روستا آگاه بوده و ظرف ده سال اخیر در روستا ساکن باشند. این افراد از طریق نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه انفرادی نیمه ساختارمند (زن= ۵ و مرد= ۸) و در محدوده زمانی آذر تا دی ماه ۱۳۹۰ جمع آوری گردید. مدت زمان انجام هر مصاحبه به طور متوسط ۲۵ دقیقه بود. کلیه مطالب با رضایت نمونه ها روی نوار کاست ضبط و سپس به طور کامل بر روی کاغذ پیاده سازی و نسخه برداری شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها نیز، از روش تحلیل کلایزی (عابدی، ۱۳۸۹ و ساندرس، ۲۰۰۳) بهره گرفته شد. در بخش یافته ها به منظور روشن شدن این روش تحلیل، توضیحاتی ارائه خواهد شد.

نتایج و بحث

متن بعد از جمع آوری داده ها، تمامی مکالمه های ضبط شده به متون نوشتاری تبدیل شدند. محققان در این مرحله سعی نمودند که با مرور مکرر داده ها دید کلی نسبت به اطلاعات جمع آوری شده کسب نمایند. سپس، با استفاده از استراتژی جمله به جمله، عبارت های مهم و مرتبط با موضوع پژوهش مشخص شدند. حاصل این مرحله، شناسایی ۵۱ جمله کلیدی

بود. در ادامه کار، موارد مشابه ادغام و موارد تکراری حذف گردید و به جمله هایی که معانی مشابه داشتند کدهایی اختصاص داده شد (A تا Y). به این ترتیب، عبارت های استخراج شده در قالب عبارت های معنادار فرموله شدند. حاصل این مرحله، استخراج 20 معنی فرموله شده بود که در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۱. معانی فرموله شده حاصل از مفهوم توسعه روستایی از دیدگاه جوانان

روستایی

معانی فرموله شده	کد	مفهوم توسعه روستایی از دیدگاه جوانان روستایی	ردیف
وجود مرکز بهداشت	A1	برای واکسن زدن بچه ها باید بریم روستای بغل دست (گروان)، ما باید تو روستای خودمان مرکز بهداشت داشته باشیم.	۱
	A2	مردم سالم باشند و مرضی نداشته باشند.	۲
برخورداری از آب آشامیدنی سالم و دفع بهداشتی فاضلاب	B1	آب آشامیدنی سالم و پاک باشه، مثل آب چاه کثیف و آلوده نباشه.	۳
	B2	مجبور نباشیم که ظرف ها را تو سرما و کنار آب چشمه بشوریم. دستمان یخ نزنند و نلرزیم.	۴
	B3	فاضلاب روستا درست رد شده باشه و گر نه بچه ها هزار تا مریضی می گیرند.	۵
وجود مسجد در روستا	C1	مسجد باشه تا مردم نذر و نیازها را اونجا ببرند. دور هم جمع بشند.	۶
	C2	اگر دختران برند مسجد کسی پشت سرشان حرف نمی زنه. اما اگر بری خانه همسایه پشت سرت حرف در میان.	۷

برخورداري از مردمی آگاه و همدل	D1	همه با هم خوب باشند و به داد همدیگه برسند.	۸
	D2	مردم تو جشن و عزاداری به هم کمک کنند.	۹
	D3	مردم پشت سر هم حرف نزنند.	۱۰
	D4	تو مان فتنه گری نباشه. حرف بیاره و حرف بیره.	۱۱
	D5	مردم آگاه باشند که چه می خواد بشه تا کمک کنند.	۱۲
	D6	مردم باز فکر کنند.	۱۳
کاهش بیکاری	E1	جوانا از بیکاری سیگار و قلیلان نکشند.	۱۴
	E2	منبع درآمدی برای جوانان باشه تا بتوانند سرو سامان بگیرند و معتاد نشوند.	۱۵
افزایش درآمد پایدار	F1	درآمد کشاورزی مثل قمار نباشه که یک سال خوب و سال دیگه بد باشه.	۱۶
	F2	۲ تا ۳ کار خانه نزدیک روستا باشه تا جوان ها درآمدی تو زمستان ها داشته باشند.	۱۷
	F3	بدبخت و ندار تو روستا نداشته باشیم.	۱۸
	F4	خرج زندگی کم باشه. الان با این یارانه ها هزینمان چند برابر شده.	۱۹
	F5	زندگی مردم تو رفاه باشه.	۲۰
	F6	کشاورزی مثل قمار می مانه یه سال خوبه و یه سال خوب نیست	۲۱
عدم وجود تبعیض جنسیتی	G1	همه زن ها بی سواد و بد بخت نباشند.	۲۱
	G2	دخترها مجبور نباشند تو خانه بشینند و هی نگاه در و دیوار بکنند.	۲۲
	G3	تعصبات بیخود نسبت به زن ها و دخترای روستا از بین بره.	۲۳

	G4	بین دختر و پسر فرق نباشه. الان پسر هر جا دلشان می خواد می رند.	۲۴
برخورداری از مقاطع مختلف تحصیلی	H1	سواد بچه ها بالاتر بره.	۲۵
	H2	تو روستا مدرسه راهنمایی، فنی و حرفه ای داشته باشیم.	۲۶
برگزاری کلاس های آموزشی	I	تو روستا کلاس های آموزشی مثل قالی بافی، خیاطی حتی آرایشگری باشه.	۲۷
کاهش مهاجرت	J1	مهاجرت توی روستا کم بشه.	۲۸
	J2	مدام جمعیت روستا کم نشه.	۲۹
	J3	از روی علاقه تو روستا باشیم نه از روی اجبار.	۳۰
وجود امید به زندگی	K1	جوانا امید داشته باشند.	۳۱
	K2	الان سن ازدواج مثل شهرها بالا رفته به هیچ جوانی همیشه دل بست. همه معتادند و شرور.	۳۲
نبود دعوای قومی و قبیله ای در روستا	L	روستا خلوت باشه و توش قیل و قال نباشه.	۳۳
برخورداری از جاده آسفالت	M1	جاده آسفالت باشه.	۳۴
	M2	جاده توی زمستان گِله و تو تابستان گرد و خاک.	۳۵
تدریجی بودن توسعه	N	توسعه یک دفعه اتفاق نمی افته، یواش یواشه. سال ها طول کشید تا این جا برق آمد.	۳۶
برخوردار از خانه های نوساز	O1	خانه های قدیمی رو نمی شه اصلاً تزیین کرد. تابلو رو بزنی کجا و ...	۳۷
	O2	خانه های روستایی که کاه گلی اند نوساز بشند تا دیگه زلزله اونا رو خراب نکنه.	۳۸

	O3	خانه های قدیمی سردند.	۳۹
برخورداری از شورای اسلامی	P	همه روستاها حتی اگر تعداد خانواراش کم باشد، شورا داشته باشد.	۴۰
برخورداری از گاز، برق و تلفن	Q1	خانه های روستا گاز کشی بشوند	۴۱
	Q2	خیلی از وقت ها دکل های برق خراب می شوند و ماه ها برق نداریم.	۴۲
	Q3	تلفن ثابت برای وصل شدن به اینترنت باشد.	۴۳
برخورداری از مغازه و نانوائی	W1	تو روستا نانوائی باشد. از وقتی نان گران شده نمی صرفه نانوائی روستا نان تولید کنند. تعطیل شده.	۴۴
	W2	مغازه خوار و بار فروشی باشد.	۴۵
وجود انگیزه و علاقه به حفظ محیط زیست در مردم روستا	X1	دور روستا چهار تا درخت باشد.	۴۶
	X2	مردم روستا به طبیعت و آب و هوای روستا اهمیت بدن و اونا رو خراب نکنند.	۴۷
	X3	اگر درخت ها آتش گرفت خودشان برند، آتش رو خاموش کنند.	۴۸
پایبندی به ارزش ها و فرهنگ روستایی برخورداری از تسهیلات مالی	X4	پرنده ها هایی مثل کبک و تیهو و ... رو نکشند.	۴۹
	Y	طرف به زبان، لباس و فرهنگ خودش افتخار کنه و از گفتنش خجالت نکشه.	۵۰
	Z	از کجا بیارم خوراک دام تهیه کنم.	۵۱

سپس معانی فرموله شده به ۷ خوشه تقسیم شدند. به این ترتیب که محققان سعی نمودند عبارت های استخراج شده با ماهیت موضوعی مشابه را شناسایی نموده و آن ها را در درون یک خوشه قرار دهند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. خوشه بندی مفهوم توسعه روستایی از دیدگاه جوانان روستایی

ردیف	معانی فرموله شده	خوشه ها
۱	وجود مرکز بهداشت	
۲	برخورداری از آب آشامیدنی سالم و دفع بهداشتی	
	فاضلاب	وجود امکانات زیر بنایی و رفاهی
۳	برخورداری از جاده آسفالت	
۴	برخورداری از گاز، برق و تلفن	
۵	برخورداری از مغازه و نانوايي	
۶	برخورداری از خانه های نوساز	
۷	برخورداری از مردمی آگاه و همدل	توانمندسازی مردم
۸	پایبندی به ارزش ها و فرهنگ روستایی	
۹	نبود دعوای قومى و قبیله ای در روستا	توجه به بعد فرهنگی و اجتماعی توسعه
۱۰	برخوردار از کلاس های آموزشی	
۱۱	وجود امید به زندگی	
۱۲	برخورداری از عدالت اجتماعی	
۱۳	برخورداری از مقاطع مختلف تحصیلی	
۴	وجود مسجد در روستا	
۵	کاهش مهاجرت	

توسعه اقتصادی	افزایش درآمد پایدار	۱۶
	کاهش بیکاری	۱۷
حفاظت و حراست از محیط زیست	وجود انگیزه و علاقه به حفظ محیط زیست در مردم روستا	۱۸
	برخورداری از تسهیلات مالی	۱۹
توجه به فرایندی بودن توسعه	تدریجی بودن فرایند توسعه	۲۰
	برخورداری از شورای اسلامی	۲۱
وجود نهادهای محلی		

هر یک از این مفاهیم در ادامه توضیح داده خواهند شد:

توجه به فرایندی بودن توسعه روستایی

یکی از مهم ترین ادراک‌هایی که جوانان روستایی از مفهوم توسعه روستایی داشتند، این واقعیت بود که توسعه نمی تواند به صورت یک شبه اتفاق بیافتد؛ بلکه توسعه روستایی فرایندی است که ممکن است ماه ها و سال ها به طول بیانجامد. بنابراین تقریباً تمامی مشارکت کنندگان در این مفهوم هم عقیده و بر این باور بودند که "توسعه باید قدم به قدم و هماهنگ باشه" (مرد، ۲۱ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۹/۱۷، روستای جعفرآباد).

وجود امکانات زیر بنایی و رفاهی

بسیاری از جوانان روستایی توسعه را هم سنگ و مترادف با فراهم بودن امکانات مختلف (آب، برق و گاز و مدرسه و ...) در روستا می دانستند و نبود آن ها را نشانه توسعه نیافتگی بیان می نمودند. آن ها از فقدان این امکانات به عنوان منشأ بسیاری از مشکلات مناطق روستایی یاد می کردند. در ادامه به ذکر دو مصاحبه در رابطه با این مفهوم می پردازیم:

"تو روستا نه دبستانی، نه جاده خوبی، نه نانویی، نه آب آشامیدنی و ... هیچ امکاناتی نداریم و الله از روی اجبار که تو روستا زندگی می کنی. داداشم برای رفتن به مدرسه تا

روستای ورله که ۲۵ کیلومتری اینجاس می ره. تو تابستان زمین خشکه، خوبه. ولی تو زمستان گل و شله. توسعه یعنی اینا را داشته باشیم" (مرد، ۳۱ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۱۰/۲۲، روستای وزمله).

"باید ظرف ها را ببریم کنار چاه، تو سرما بشوریم. دستان یخ می زنه. اکثر اوقات سرمای شدیدی می خوریم و کلی پول دوا و دکتر می دیم. نگاه کنین لُر با دست کتورهای آب را نشان می دهد؛ لوله آب تا اینجا آمده و لی بقیه اش رو ول کردن و انجام ندادن" (زن، ۲۵ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۱۰/۸، روستای وزمله).

توجه به بعد فرهنگی و اجتماعی توسعه روستایی

جوانان روستایی معتقد بودند که در روستای توسعه یافته بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی (مخصوصاً در مورد خانم ها) حل شده و مردم برای داشته های سنتی خود ارزش و اعتبار قائل می باشند. مصاحبه هایی که در پایین آمده نمایانگر اهمیت و عمق این بعد از مفهوم توسعه روستایی می باشد.

"آرزو داشتم تو شهر بودم. تو روستا هی باید بشینی در و دیوار رو نگاه کنی. آگه از خانه بری بیرون می گن فلانی رفت پیش یکی. چرا رفت؟ پشت سرمان حرف در میارن. اما آگه این جا مسجد می داشت، خوب می بود. چون آگه بری مسجد کسی دیگه نمی تانه پشت سرت حرف بزنه. آگه این جا مسجد داشت چه می شد... " (زن، ۱۸ ساله، مصاحبه انفرادی، - ۹۰/۹/۳، روستای جعفر آباد).

"همیشه بدم می آید که روستایی ام. هر جا اسم روستا رو میاری میگن عقب ماندس. آگر یه کم به خودت برسی می گن ها! طرف یادش رفته روستاییه، آگر هم به خودت نمی رسی می گن دهاتیه... لُر به نشانه تأیید نگاهی به ما می کند و می گوید؛ میدانی که چه می گم." (زن، ۳۰ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۱۰/۱۵، روستای وزمله).

وجود این گونه مشکلات و باورها در زمینه تبعیض های جنسیتی می تواند خطر انزوای دختران و زنان روستایی را به عنوان نیمی از تولید کنندگان کشور، به دنبال داشته باشد. اما در مصاحبه هایی که با مردان جوان انجام شد رنگ و بویی از مشکلات اجتماعی مطرح شده

از سوی زنان روستایی نبود و مردان به ابعاد دیگر اشاره می کردند. یکی از این جوانان عنوان می نمود که؛
"مثلاً روستامان یه باشگاه بدنسازی نداره. حتی یه مسجدی!! اگر مسجد می بود فکر مردم عوض می شد و به دنبال گناه نمی رفتن. مردم آبادی به خصوص جوانترها الان از خدا دورند.. خدا و پیغمبر رو نمی شناسن" (مرد، ۲۳ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۹/۱۷، روستای جعفرآباد).

وجود نهادهای محلی

از دیدگاه جوانان، وجود نهادهای محلی از مهم ترین عناصری است که باید در تعریف توسعه روستایی جایگاه ویژه ای داشته باشد. این نهادها در واقع حلقه ارتباطی بین مردم روستا و دولتی ها می باشند و اگر این حلقه نباشد، به طور یقین روستاییان در برآوردن خواسته های خود به چالش کشیده خواهند شد. در این راستا، توجه به این نکته ضروری است که به عقیده جوانان روستایی، همه روستاها، حتی اگر کم جمعیت باشند، باید شورای اسلامی مخصوص به خود را داشته باشند. چرا که شوراهای روستای دیگر درگیر مسائل روستای خود می باشند و فرصتی برای حل مشکلات روستاهای دیگر تحت پوشش خود ندارند. مصاحبه زیر نیز مؤید این واقعیت است.

" این جا شورا نداره. رابطه ما با شورای روستای پایین {گروران} زیاد خوب نیست. برای گرفتن امضا همش باید بریم اونجا. خیلی مشکله. تازه اونا به فکر روستای خودشانند تا ما" (مرد، ۲۹ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۱۰/۲۲، روستای وزمله).

توسعه اقتصادی

از دیگر مؤلفه های مورد تأکید صاحب نظران در تعریف توسعه، کاهش فقر، بیکاری و افزایش درآمد می باشد. این مؤلفه ها از دید جوانان روستایی پوشیده نمانده و آن ها نیز در مصاحبه های خود به این موارد اشاره نمودند.

" همه جوانای روستا بیکارند منبع درآمدی ندارند. کاش یه کاره ای بودم. کنار روستا دو ، سه تا کارخانه می زدم. آینده ی روشن نداریم .دلمان رو بیخودی خوش می کنیم... کشاورزی مثل قمار می مانه یه سال خوبه و یه سال خوب نیست." (مرد، ۲۳ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۱۰/۲۲، روستای وزمله).

" کشاورزی و دامداری همه اش بش خودش، سر به سر می شه، دیه نمی صرفه. پارسال پرواربندی کردم. پروار همش باید یونجه بخوره. یونجه که خیلی گرانه. چطوری بخرم. پول ندارم..." (مرد، ۲۱ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۹/۳، روستای جعفرآباد).

همان طور که در مصاحبه ها دیده می شود مفهوم توسعه روستایی با توسعه اقتصادی، معنا و مفهوم حقیقی خود را پیدا می کند و به جوانان روستایی امید به زندگی می بخشد.

حفاظت و حراست از محیط زیست

جوانان روستایی معتقدند که در مفهوم توسعه روستایی، حفاظت و حراست از محیط زیست عامل مهمی می باشد. چرا که بین طبیعت و توسعه روستا (مخصوصاً توسعه کشاورزی) رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به طوری که بی حرمتی و نادیده انگاشتن اجزا موجود در طبیعت (آب، درخت، پرندگان و...) می تواند زندگی آن ها را تحت تاثیر خود قرار دهد. در مصاحبه های زیر به اهمیت این عامل نزد جوانان روستایی مورد مطالعه اشاره شده است.

" روستاییان پرنده ها رو نکشن . میگن اونا فرشته ان. آگه به اونا صدمه بزیم آه شان دامنمان رو می گیره " (زن، ۳۰ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۹/۱۷، روستای وزمله).

" توسعه یعنی این جا خرم بشه. دور روستا چهار تا درخت باشه. هوا پاک باشه. .. هر چه درخت تو روستا کاشته می شه بچه ها درش میارن. " (زن، ۲۷ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۱۰/۸، روستای جعفرآباد).

توانمندسازی مردم

مفهوم توسعه روستایی با پرورش و تربیت مردمی آگاه و توانمند کامل می شود. این بعد می تواند سایر ابعاد توسعه را تحت تأثیر خود قرار داده و بستر ساز توسعه پایدار در مناطق روستایی باشد. بخشی از مصاحبه جوانان در رابطه با این موضوع در زیر ارایه شده است.

"مردم خوش رفتار، صمیمی و با هم خوب باشند" (زن، ۲۵ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۹/۱۷، روستای وزمله).

"مردم در جشن و عزا به هم کمک کنند. آگه کسی بارش به زمین افتاد بارش رو از روی زمین بردارن" (زن، ۳۰ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۱۰/۲۲، روستای جعفرآباد).

"جوانا منتظر دولت نباشند. خودشان هم کمک کنند. مثلاً روستای ما برق نداشت. خود مردم این دکل ها را کار گذاشتن" (مرد، ۲۱ ساله، مصاحبه انفرادی، ۹۰/۹/۱۷، روستای وزمله).

به منظور تأیید روایی یافته ها به تعدادی از شرکت کنندگان مراجعه مجدد صورت گرفت و طی انجام یک مصاحبه انفرادی، نظر آن ها در مورد یافته استخراج شده مورد بررسی قرار گرفت. تأیید آن ها منجر به افزایش اعتبار یافته های استخراج شده گردید.

نتیجه گیری

به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که مشارکت کنندگان توسعه روستایی را فرآیندی گام به گام می دانند که بسترهای لازم برای ایجاد و تأمین امکانات رفاهی، زیر بنایی و نهادهای محلی را فراهم می آورد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را به دنبال دارد. هم چنین در طی این فرآیند مردم توانمند شده و به حفظ و حراست از محیط زیست می پردازند. با توجه به نتایج می توان گفت، روستا یا منطقه روستایی به مثابه نظامی متشکل از اجزا و عناصر مختلف است. میان این اجزا و عناصر نیز روابط متقابل و هدفمند وجود دارد و در صورت برقراری تعادل میان آن ها، نظام می تواند نقش و وظیفه خود را به درستی انجام دهد. بنابراین، توسعه روستایی به معنای واقعی آن مستلزم نگرشی یکپارچه و نظام مند به روستا و منطقه روستایی با توجه به همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روستاست. با

استناد به یافته های پژوهش، توسعه روستایی از دیدگاه جوانان روستایی فرآیندی گام به گام همراه با ایجاد و تأمین امکانات رفاهی، زیر بنایی و نهادهای محلی است که همزمان به توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی روستا و در نهایت توانمندسازی روستاییان می انجامد.

توسعه روستایی فرآیندی چند بعدی و متضمن بهبود مستمر سطح زندگی و کیفیت آن در جامعه روستایی است. در این تعبیر، همراه با افزایش درآمد روستائیان، آموزش بهتر، کیفیت مناسب بهداشت و درمان و تغذیه، فقر کمتر، محیط زیست حفاظت شده و تساوی هرچه بیشتر فرصت ها برای تحقق عدالت اجتماعی در محیط روستایی مدنظر بوده که تحقق چنین توسعه فراگیری بدون ساختاری مناسب میسر نیست (مهندسین مشاور، دی. اچ. وی، ۱۳۷۱). فقدان ساختار مناسب برای پیشبرد امور توسعه روستایی با نگرش چندبعدی و هماهنگ همواره یکی از چالش های اصلی چند دهه اخیر بوده است؛ زیرا برای هر یک از ابعاد توسعه روستایی عمدتاً سازمان مستقل با رویکردی متمایز فعال بوده که غالباً در ارتباط و هماهنگی های بایسته نبوده اند. حتی در مواردی که مأموریت اصلی به سازمان خاصی، محول شده، صرفاً بسترسازی های عمرانی موردنظر بوده و تمامی ابعاد توسعه را دربرنگرفته است. به همین جهت ویژگی بارز توسعه روستای کشور، بند از بند گسیختگی دیرینه و مزمن مدیریت توسعه است که علیرغم تلاش های گسترده، به ویژه در دو دهه اخیر، دستاوردهای مطلوبی به بار نیاورده است. این ناهماهنگی ساختاری، نه فقط در ابعاد کلی تری چون ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی توسعه؛ بلکه در هر یک از ابعاد مذکور نیز، زمینه ساز توسعه ناهماهنگ بوده است. در ابعاد اقتصادی بین توسعه بخش های مختلف نظیر صنعت، کشاورزی و خدمات و بین کل مجموعه تولید و توزیع، هماهنگی ها بسیار اندک است. در ابعاد اجتماعی و فیزیکی توسعه روستایی نیز سازمان های متعددی، مستقل از هم، فعال اند که حتی از هماهنگی های درون سازمانی نیز برخوردار نیستند.

با محدودیت منابع و امکانات، خدمات رسانی به تمامی ۶۵ هزار آبادی خرد و کلان به ویژه هزاران آبادی کوچک و پراکنده، غیر مقدور و توجیه ناپذیر است. بسیاری از روستاها فاقد

آستانه های مناسب جمعیتی برای برخورداری از حداقل خدمات یا خدمات اولیه و ضروری می باشد. از سوی دیگر، در شرایط کنونی نه عادلانه است و نه منطقی که انسان هایی در این سرزمین با محنت و دشواری به سر ببرند و از خدمات بهداشتی و آموزشی بی بهره باشند و یا به امکانات لازم دسترسی نداشته باشند. البته در سال های اخیر با مشکلات بسیار، جهاد گران تلاش کرده اند که دامنه خدمات رسانی به روستاها را گسترش داده و حتی المقدور نقاط بیشتری را پوشش دهند، ولی به دلیل مشکلات عدیده، تداوم این تلاش ها چندان منطقی به نظر نمی رسد، مگر آن که مبتنی بر نظام سنجیده باشد و امکانات و انرژی های محدود به هدر نرود و حداکثر بهره برداری از سرمایه گذاری های زیربنایی و خدماتی میسر شود.

بیشتر مطالعات انجام شده نشان می دهد که انگیزه مهاجران، اقتصادی است و مهاجرت با ملاحظات اقتصادی انجام میشود. مطالعات مزبور هم عوامل اقتصادی جذب در شهر و هم عوامل اقتصادی رانش در روستا را مورد تأکید قرار میدهند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۲۲۶). تحصیلات جوانان روستایی از جمله عوامل اجتماعی- فرهنگی است که جوانان را آماده می سازد تا به راحتی مهاجرت کنند. تمایلات و آرزوهای شهری را در آن ها می پروراند و زبان شهر را به آنها می آموزد و بدین ترتیب با کاهش فاصله فرهنگی بین شهر و روستا بر نرخ مهاجرت افزوده می شود (همان: ۲۲۲). مهاجرت های روستایی اغلب از عدم زیر ساخت های اقتصادی و خدمات زیربنایی مناسب در روستاها از یک سو و انتظار درآمد و اشتغال بهتر به همراه وجود خدمات و تسهیلات رفاهی، آموزشی و بهداشتی برتر در شهرها از دیگر سو، متأثر می شود. از طرفی نیز تسلط یک سویه شهر بر روستا در دهه های اخیر و در ایران به خصوص بعد از اصلاحات ارضی و به هم خوردن روابط متقابل شهر و روستا، دست به دست هم داده و در حال حاضر به تضعیف هر چه بیشتر روستا از نظر اقتصادی و به نسبت جلوه و توسعه برتر شهری انجامیده و زمینه مهاجرت های روستا- شهری را فراهم، بلکه تشدید نموده است (همان: ۲۲۹).

۱. تأمین و فراهم ساختن زیرساخت های اقتصادی- اجتماعی لازم جهت ایجاد و توسعه فرصت های شغلی پایدار و رفع بیکاری پنهان در بخش کشاورزی روستا و حوزه فرادست

آن با بهره گیری از قابلیت های محلی. که از آن جمله می توان به ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به بخش کشاورزی، به ویژه زراعت و باغداری در روستا و مرکز دهستان، توسعه صنعت گردشگری روستایی و زراعی با توجه به توان های بالقوه و بالفعل، بهره گیری گسترده از فناوری های مدرن (دانش، روش و ابزار) در فرایند، کاشت، داشت، برداشت، بازاریابی و بازاریابی محصولات زراعی و باغی در محل به منظور اقتصادی کردن فعالیتهای کشاورزی و...

۲. تأمین و توسعه زیرساخت هایی چون آب، برق، گاز، راه و... در روستا و حوزه پیرامونی آن در راستای تقویت نهاده های تولیدی و نه صرف خدمات رسانی و مصرف
۳- ایجاد، گسترش و پیشبینی امکانات تفریحی و ورزشی مناسب و متناسب در روستا در یک افق زمانی ۱۰ ساله بر مبنای مصوبات طرح های توسعه کالبدی، همچون طرح هادی روستا و طرح ساماندهی فضا و سکونتگاه های روستایی در بخش فرادست.

پیشنهاد ها

در پایان، با توجه به همه مطالب و توضیحات پیش گفته، پیشنهاد هایی بدین شرح ارائه می شود:

- ۱- در برنامه ریزی توسعه روستایی، به روستا و مناطق روستایی به منزله یک نظام نگرینسته شود و تمام اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن (در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی) مورد توجه قرار گیرد تا توسعه روستایی پایدار به مفهوم واقعی آن تحقق یابد؛
- ۲- در طرح های توسعه روستایی، پیش از هر گونه عملیات اجرایی، جوانب مختلف روستا و یا منطقه روستایی محل اجرای طرح و نیز استعداد های بالقوه و محدودیت های آن بررسی شود تا بتوان جهت گیری های توسعه را مشخص کرد. حتی در انجام فعالیت های موردی مانند آموزش های ترویجی در روستاها، بهره گیری از آمار و اطلاعات موجود در اثربخشی فعالیت ها سودمند خواهد بود؛

۳- نگرش توانمندسازی روستاییان جایگزین نگرش انجام عملیات مختلف از سوی دولت و دست اندرکاران دولت شود. دست اندرکاران طرح، پس از شناخت استعدادهای بالقوه روستاها در یک فرآیند مشارکتی با روستاییان، از طریق آموزش های ترویجی مختلف و فعالیت های مشارکتی الگویی، روستاییان را در بهره برداری از ظرفیت های بالقوه منطقه خود فعال و توانا سازند؛

۴- اگر به راستی می خواهیم به توسعه مناطق روستایی بپردازیم، از تعریف دیگر اهداف فرعی مانند ارائه کارگاه آموزشی، نمایش فعالیت ها و انجام سایر کارهای تبلیغاتی خودداری کنیم، چرا که این گونه اهداف و فعالیت ها بر دستاوردهای طرح توسعه تأثیر گذاشته، ارزیابی ها را با مشکل مواجه می سازد؛

۵- در طرح های توسعه روستایی، مشارکت روستاییان اهمیتی ویژه و منحصر به فرد دارد و اثربخشی، پیشرفت و پایداری طرح ها را تضمین می کند؛ از این رو، سعی شود با برگزاری جلسات آگاهی بخش و آموزش های مختلف، آمادگی روستاییان برای مشارکت افزایش یابد و در همه مراحل اجرای طرح، به ویژه در شناخت مسائل و مشکلات، شناسایی استعدادهای منطقه، تصمیم گیری و برنامه ریزی پروژه ها، روستاییان مشارکت فعال داشته باشند. این مهم هنگامی محقق خواهد شد که برنامه های توسعه سازگار و همسو با توقعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی جامعه روستایی به ویژه جوانان روستایی باشد. در چنین شرایطی است که جوانان روستایی آگاهانه و داوطلبانه در برنامه ها و پروژه های توسعه روستایی مشارکت فعال خواهند نمود.

منابع مورد استفاده

۱. ادیب حاج باقری، م.، پرویزی، س. و صلصالی، م. (۱۳۸۶). روش های تحقیق کیفی. تهران، نشر و تبلیغ بشریف چاپ اول.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، جامعه شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه، چاپ چهارم.
۳. پزشکی، و. (۱۳۸۶). الگویی برای ارزیابی توسعه کشاورزی دهستان های شهرستان کرمانشاه با استفاده از منطق فازی. پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی. دانشکده کشاورزی. دانشگاه رازی.

۴. عابدی، ح.ع. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق پدیده شناسی در علوم بالینی. *فصلنامه راهبرد*. ۱۹ (۵۴): ۲۲۴-۲۰۷.
 ۵. فداکار داورانی، محمد مهدی، سام آرام، عزت اله، (۱۳۸۹)، نقش قنات در توسعه پایدار روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۲، ۱۹۱-۱۶۷.
 ۶. قلی نیا، محمدجواد، و غلامرضایی، سعید، (۱۳۷۷). مشارکت مردمی در توسعه روستایی برنامه کار FAO، تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، دفتر مطالعات و بررسیها.
 ۷. موثقی، سیداحمد، (۱۳۸۳)، سیر تحول مفهومی و نظری توسعه، مجله حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره ۶۳.
 ۸. مهندسین مشاور از هلند DHV، (۱۳۷۵). رهنمودهایی بر برنامه ریزی مراکز روستایی. جهاد سازندگی.
9. Sanders, C. 2003. Application of Colaizzi's Method: Interpretation of an auditable decision trail by a novice researcher: Contemporary Nurse, International journal of multiple research approaches. 14 (3): 292- 302.